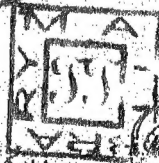


قصیدہ سیرت بیان

مع مادہ ہائے تاریخ
 کہ در تہنیت قدم محرم است بر ایل امین
 پرنس البرٹ کڈز او شولڈ
 بخت و بخت و بخت
 سیرت و سیرت و سیرت
 خلفیت و سیرت و سیرت
 نذر نذر



کتابخانه موزیم لندن

کتابخانه موزیم لندن

کتابخانه موزیم لندن

قصیدہ بہ زبان فارسی

مع مادہ ہائے تاریخ
ہر دو سندہ یکرمی و عیسوی

مختصر

دعا گوئے دولت ابد قرین محمد محسن

مختص بہ ستین

M.A.LIBRARY, A.M.U.



PE686

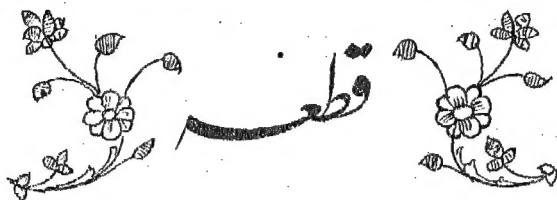
قصیدہ

مع مادہ تیاج هر دوست ان کرمی
عیسوی و طبیعت و هم کرمی از دم
عاطف تپو رشتہ زاده والا کو هر فراتیل
پائین پس الیوت و کثر زاده شو گمہ بخور نو
هر پائین فرزند حاصل است انگاشته نوران
امیر الامرا محاراجه و همران در عیش سر میایان
برایگان دل چند سرنگ صاحب
عباد و ام حشمت



بیم آمد بگشتن چوین نسیم واکش
نوجوانان چمن گشتند یک یک دریا
از پی خدمت پادشاه و سرو فرسدا
کردن شاد و از تیا زاد آب شیم ادا

سبز نورسته سر داشت از بالین خج
 خاست از جای خود و ز دوشش برد
 بوئے خوش آورده نیش را به پیش
 نستر کرده شیمش نذر با صد التجا
 زربکف آند ز گل به زینار او بهار
 گوهر افشان شد به لایش سحاب از قطره
 غنچه رگشته نیم زیر لب از خرمی
 غمزه زن گردین چشم ز گس شیرین
 شانه زدنیل بگیسو لاله گلگونه بر و
 گل بحیم نازنین آراسته ز گین قبا



بسکه یمن مقدم آن باد سیسی دم نمود
 برگ و بار و شاخ و گلبن با حیات عطا
 سوسن سیوه بیان باده زبان جفقس
 در ثنا و مدح او صد برگ و دست کرد
 ز غر نه سر کرد قمری ز دچکا و ک با گشت
 نعمه دلکش کشیده غنایب خوشنوا
 شد ترنم زن که بان دریا هب نگام نشا
 شادمان شوین به از کج چنین ایام

گرم کن کهن گامه شادی و نبواز از غنّون
 کوک کن ساز طرب را ساز ده آهنگ
 باعث این شاد ماینه اگر پری زن
 تا شود برهان لبتی بر ثبوت مدعا
 گوش دار و ندیده غفلت بر آراز گوش بهوش
 آمده ای بنخیر این جان فراموشده با
 یعنی انجم از مسرت انجمن آراستند
 زهره گردید هست رقاصه مدیه بطسرا
 شد عطار دشت نواز و دایره زن آفتاب
 بهتماش می کنند در چلین فرخنده لقا

ہاتھی مامور گردیدہ رسوئے قدسیان
 تا بزودی آفتاب آوازہ در ارض سما
 کز برائے خاص و عام است این بوی خوشی
 شد شہنشاہ زادہ مہمان المپیالہ را
 آنکہ باشد بکرمی سالِ قدم عالیش
 آمد دیشان شہنشاہ زادہ با مجد
 ہم بود سالِ مسیحی کرم و فائیش
 از پرنس البرٹ و کرم مقدم الطاف
 آنکہ بہت آیندہ شاہنشاہ را پوزین
 و از شتاب و بگین و والی تخت و لوا

۲۶ ب ۱۹

۱۸۶۹

اعنی کنین و لیعید پر نسا فیلز آنکہ
 امده البرٹا ڈورڈ اسم سائیلز
 آنکہ میا شد شھنشاہ زمان انخت
 قر العین جناب پیر آف انڈیا
 آنجناب کے کو بودھند وستان ایتھر
 تنگہا ہش لند و ماش کوٹ و کوٹیرا
 آنکہ از عدل و سخا و رحمت و لطف و کرم
 رشک بہر تسلیم عالم ساخت این اقلیم
 مژدہ اے پدلیا کر الطاف خاص خیر
 والی فرمانروایت یافتہ اعزاز

واللہ کر مطلع ثانی میں حاضری
 یکم آغاز ایک از سر صدق و صفی

مطلع ثانی

ایک ذات نیت دران فصل کبریا
 مسند و تحت شمع حق مے نید ترا

خیر و عالی جنبانی و شہ و الانصاف
 غیرت کمرے عدل و رشک حاتم ہر سخا

رتبی ہنگام زرم و قیادی قنیم
 ہستی اے دارا مکت و گیتی کشتا

بر نیاید تا ابد از موجِ اشکِ گزین
 گر کند در عجلتِ خود ارسطو هم شنا
 ای که روئے انورِ رشکِ مه و مهر
 سایه چهره یون روکشِ طنسها
 صورت جانِ بدن محسوسِ نایب بگمان
 گر کند اعمی فطری گردِ راهست تو یا
 گرگ از قهرت نه تنها گلِ بانی پیشه کرد
 شیر هم در عهدِ محرت پرورد بفرغاله
 بیدار آمده کریم سیاستهای تو
 غمزه را از نجیب در پاکِ ذرفِ دلِ زبا

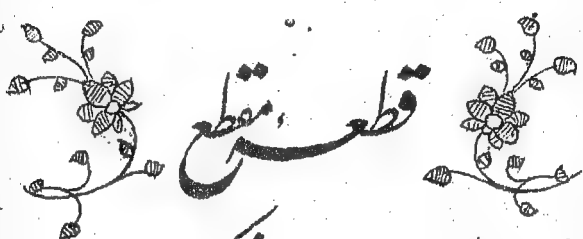
بهیئت در شکر اعدا نزل فکند
 از ره یار چه گر مرکب جسانی دروغا
 پیش خیمت راز پنهان چمن نباشد شکا
 شد ضمیر انورت ایستگه گیتی مُشا
 نیست در عهد تو کس استیلاج سیم و
 زانکه خاک زیر پات پست است کیمیا



گر بقصد شکر دشمن گهی آری حسیل :
 و بر بزم ملک اعدا گاه بفری لوان

دولت و اقبال باشد عمر کای سرت
 جاه و فرار پشت آید رخ و نصرت آقا
 روکش صداقت بانی غیرت ما هتتاب
 نور سیماے تو بر دعوی من آمد گوا
 بر علو قدر تو می نازم ای فیجاء شاه
 بھرتیست فلک خم گشته از پشت و تا
 با کمال فخر طوف بارگاه می کنند
 دامن اشمن و قمر روز و شب صبح و مسا
 نشین گنزار این لاد و هیاهو شد
 تو سنج طبع تو میتیازد بیع دان سما

باعث تصدیقِ ممد و حسنتِ تطویلِ سخن
حرفِ این مدح و ثناء را مختصر کن بر دُعا



تا بود سطحِ زمین و بر زمینِ سیفِ فلک
بر فلک خورشید و ما خورشید را باشد ضیا

از ضیائے او بود ما بهفت کشورِ بھر

تا بود در بهفت کشورِ کشورِ پنجاب

سراجِ اندر سنگھ و پنجاب ادا دی ستر

بر تمامی ارجکانِ پادشاهانِ پادشا

باید خود و همایونش بصد جاه و شرم

مقدم لطف شیشه زاده فرخ لغا

قوت بازو و والایش کنور و سنگیر

تا قیام ماه و روز و شب ماند لھا

این مه و مهر ریاست بر سپهر عز و شان

همچنان باشد تا بان و درخشان ائما

آمین ثم آمین یارب العالمین

معروضه دعا گو قدیم دولت ابدین محمد محسن متخلص

ملغس روضه - فروردی ۱۲۹۰

مطابق ۲ - ۱۲۹۰ شمست ۱۹۰۱ مری

٥١٢٢

٨٩١٥١٢٢

This book is due on the date
last stamped. A fine of 1 aana
will be charged for each day the
book is kept over time.

٧٨٧

۸۹۱۵۵۱۴۴ سنه ۱۴۴۲

۶۸۶

قصیدہ باریہ

Date	No.	Date	No.